

دروغ‌های بزرگ جنگ ۱۹۳۹

رسول اژتایان، استاد دانشگاه: درباره قتل‌عام‌ها، آوارگی‌های میلیون‌ها انسان، نسل‌کشی، پاک‌سازی قومی، دینی و نژادی، به‌ویژه در رژیم منحن نازی‌های آلمان و جنایت‌های وحشتناک مرتبط با اشغال کشورهای دیگر در جنگ جهانی دوم، مقاله‌ها و کتاب‌های مستند و غیرمستند زیادی نوشته شده‌اند؛ اما کمتر درباره برنامه‌ریزی دقیق نازی‌ها برای بهانه‌تراشی و مهیاسازی افکار عمومی دنیا در راستای پذیرش محق‌بودن آلمانی‌ها به حمله بدون اعلام رسمی جنگ ضد لهستان و اخطار قبلی، گزارش شده است. «الف تسرباک» از روزنامه «دی‌تسایت» در سالروز حمله نیروهای رایش سوم به لهستان و آغاز بی‌رحمانه‌ترین جنگ در ۳۱ اگوست ۱۹۳۹ که بر حسب تصمیم قاطع آدولف هیتلر از قبل برای شروع جنگ دقیقاً برنامه‌ریزی شده بود، برخی نکات به اختصار بیان می‌کند که به نظر نگارنده شایان توجه است. نوشتن نامش یازنگران و سناریونیسان این نمایش تقبلی وحشتناک، مانند هاندربیش هیتلر و گشتاپو مولر از سوی مترجم، به خاطر این است که این افراد به‌عنوان مجسمه و مظهر خشونت‌باترین جنایت‌های تاریخ علیه بشریت بوده‌اند.
با وجود اینکه رژیم آدولف هیتلر قرارداد عدم تجاوز و حل مسالمت‌آمیز مشکلات مرزی با لهستان را امضا کرده بود؛ اما ظاهراً در قسمت محرمانه ضمیمه معاهده عدم تجاوز بین رایش سوم و اتحاد جماهیر شوروی (معروف به معاهده هیتلر – استالین)، این دو دیکتاتور، لهستان را بین خود تقسیم کرده بودند.
با توجه به اینکه هیتلر بعدها با لغو این معاهده، به اتحاد جماهیر شوروی حمله کرد، می‌توان تصور کرد او در این مرحله می‌خواست‌ه با خاطر جمعی موقتی از جبهه شرق (جبهه روسیه)، نیروهای خود را در جبهه غرب (انگلیس و فرانسه) متمرکز کند.

البته دروغ‌ها و بلف‌های جنگی برای آماده‌سازی افکار عمومی، مختص به هیتلر نبوده و دولت‌های متجاوز در بسیاری از موارد برای خلق بهانه از آن استفاده کرده‌اند. بمباران ویتنام شمالی از سوی آمریکا، با حمله دروغین ویتگوک‌ها به کشتی جنگی آمریکا شروع و حمله آمریکا به عراق هم با دروغ وجود تسلیحات اتمی در عراق انجام شد. آمریکایی‌ها برای تحریک دولت و مردم ایران، با حمله موشکی به هوایپما غیرنظامی مسافربری، در سایه تصور مقابله‌به‌مثل احتمالی ایرانی‌ها، می‌خواستند مقدمه‌چینی لازم را برای برنامه حمله همه‌جانبه خود به ایران و ویرانی تمام زیرساخت ایران به بهانه حمله به کشتی آمریکایی‌ها، اجرا کنند.

اگر درایت امام راحل و آیت‌الله رفسنجانی مانع رویارویی مستقیم ایران با آمریکا نشده بود و آمریکایی‌ها در بی خلق بهانه دروغین با موشک‌های از پیش قفل‌شده بر روی تأسیسات حساس، کشور ما را بیرحمانه بمباران کرده بودند؛ نه کسی از دسیسه آمریکایی‌های آغازگر جنگ مطلع می‌شد و نه آنها حاضر به پذیرش مسئولیت جنایت آشکار خود بودند و نه به اشتباه خود اقرار کرده و حاضر به پرداخت غرامت می‌شدند. در اینجا به سخنان آدولف هیتلر اشاره می‌شود که می‌گفت: «بعداً از طرف پیروز نخواهد پرسید آیا او حقیقت را گفته است»، اصولاً دیکتاتورها برای همراه‌کردن افکار عمومی به صحنه‌های توجیه‌کننده عملیات خود احتیاج دارند و ه‌رجا که بهانه لازم وجود نداشته باشد، سناریوی صحنه‌های تقبلی مناسب را می‌نویسند و از با بازیگران همسوی خود، به نمایش می‌گذارند. بهانه شروع جنگ جهانی اول را چند دانشجوی افراطی صرب در محیط ملتهب اروپا آفریدند؛ اما هیتلر که بهانه مناسبی برای شروع جنگ نیافت، بهانه آن را با مأموران اس‌اس از لباس نیروهای نظامی لهستانی‌های تقبلی و غیرنظامی تقبلی خلق کرد و بدون توجه به عواقبش، آن را بی‌رحانه اجرا کرد. این مقاله نشان می‌دهد برخی از دولت‌ها یا حتی مردم عادی، برای تحریک طرف مقابل به عکس‌العمل مطلوب خود، وقایع با اخبار راست و دروغ با طوری منتشر می‌کنند که عکس‌العمل مدنظر عملیات نادرست خود را توجیه کنند. باید پذیرفت که شاخ‌وشانه‌کشیدن رهبر بی‌عقل کره‌شمالی در مقابل حفظ بدون مخ اما شاخ‌دار امروز آمریکا (به‌اصطلاح مرحوم رفسنجانی) برای حفظ آن مملکت، شجاعت نیست؛ بلکه حماقتی شاخ‌دار است که بهانه لازم را در اختیار رئیس‌جمهور وقت آمریکا قرار خواهد داد. رژیم نازی بهانه شروع جنگ را خود تراشید تا بتواند علیه لهستان وارد جنگ شده و جنگ جهانی دوم را شروع کند. سناریوی حمله به فرستنده «گلاویتست» (Gleiwitz) بزرگ‌ترین دروغ جنگی برنامه‌ریزی‌شده در تمام تاریخ بود.

چنانچه از شواهد پیداست، تقریباً یک ماه بعد از حمله به فرستنده رادیو، نیروهای آلمانی در پنجم اکتبر ۱۹۳۹ وارد شهر ورشو شده‌اند. جنگ جهانی در نزدیکی شهر گلاویتست در ایالت اشلن‌سُفلی و در ۴۵۰کیلومتری جنوب شرقی برلین شروع شد. در ساعت ۲۰ روز ۳۱ اگوست ۱۹۳۹، شش یا هفت نفر در تاریکی شب به سمت فرستنده رادیویی شهر که در نزدیکی مرز آلمان و لهستان قرار داشت، حرکت می‌کنند. این مردان به تأسیسات آن فرستنده حمله کرده، بر نیروهای آنجا علیه کرده و در میکروفون به لهستانی و آلمانی می‌گویند: «توجه! توجه! این قیام نیروهای لهستان است که فرستنده رادیو گلاویتست را تصرف کرده است. لحظه آزادی نزدیک شده است». اما این گروه لهستانی نیستند؛ بلکه به نیروهای اس‌اس آلمان تعلق دارند. حمله رای این برنامه‌ریزی شده که وانمود کنند به آلمان از سوی لهستانی‌ها تهاجم شده است. در همان شب، در اشلن‌سُفلی به اداره جنگ‌ل‌بانی نزدیکی مردم پیچن در شمال شرقی گلاویتست و در جنوب گمرک مرزی هوبخ لیندن هم حمله می‌شود. بعد این عملیات، آماده‌سازی دنیا و آلمان برای پذیرش روانی جنگ ضد لهستان بود.

برای دامن‌زدن به خشم عمومی ضد کشور همسایه، نازی‌ها ماشین تبلیغاتی خود را به راه انداختند. در ساعت ۲۲:۳۰ آلمانی‌ها از گیرنده‌های خود از برخورد در مرزا و همین‌طور از حمله به فرستنده گلاویتست مطلع می‌شوند. از صبح روز بعد تمام مطبوعات یک‌سو شده هماهنگ «از هجوم عنادآمیز و غیرقابل تصور» خبر می‌دهند. راس قله این تبلیغات سخنان آدولف هیتلر در پیش از ظهر یکم سپتامبر در پارلمان (رایش‌تاگ) است. هیتلر که مضطرب است یا خود را مضطرب نشان می‌دهد، از برخورد در مرزا سخنی نمی‌گوید، اما از همان ابتدای شروع جنگ با لهستان ا اعلام می‌کند. او از کلمه جنگ استفاده نمی‌کند و بیشتر روی جمله مشهورش تکیه می‌کند، که «از ساعت ۵:۲۵ به تجاوز پاسخ داده می‌شود، اما او یک ساعت اشتباه کرده بود. بیشتر آلمانی‌ها تبلیغات را روی اخبار شبکه سینما[از] مشاهده می‌کنند. با این سخنرانی هیتلر، اعتبار رهبران آلمانی نزد دول غربی برای همیشه از دست می‌رود. او برای بار دیگر نشان می‌دهد که قول‌ها و قراردادهای قبلی برای او اهمیتی نداشته و به آنها پایبند نیست. او به مرز با لهستان حمله می‌کند؛ هرچند که در چارچوب قرارداد ورسای برای رفع بحران قول داده بود که در اروپا دیگر هیچ‌گونه ادعای ارضی نخواهد داشت، اما با وجود آن دراک را تصرف می‌کند و اعتماد قبلی انگلیس‌ها و فرانسوی‌ها برای همیشه از دست می‌رود.

آلمان حتی قبل در سال ۱۹۳۴ با لهستان قرارداد عدم تجاوز منعقد کرده بود که اختلافات فی‌مابین را صلح‌آمیز حل کنند. اما برای هیتلر این پیمان فقط نقش یک حالت تاکتیکی داشت. بنابراین در ۱۱ اگوست اعلام می‌کند که اگر «کوچک‌ترین برخوردی» صورت پذیرد، «بدون اخطار قبلی لهستان را» نابود خواهد کرد. مدت کوتاهی پیش از آن، رئیس اداره اطلاعاتش، رانهارد هاندربیش، به یکی از اعضای سطح‌بالای گشتاپو خبر داده بود که «هبرر خواهان یک وضعیت جنگی است» و در ۲۲ اگوست هیتلر اعلام می‌کند که «بهانه تبلیغاتی برای شروع جنگ را بدون اعتنا به اینکه پذیرفته شود یا نه، فراهم خواهد کرد» و کسی بعدها از طرف پیروز نخواهد پرسید که آیا او حقیقت را گفته است. پس نازی‌ها حمله به لهستان را دقیقاً برنامه‌ریزی می‌کردند. هاندربیش که دست راست رئیس اس‌اس، هانریش هیملر، بود، برنامه مشخصی را تدارک دیده بود. در اوایل اگوست او و هیملر هیتلر را در جریان نقشه خود قرار می‌دهند. بعد از این دو برنامه به موازات هم اتفاق می‌افتد. درحالی‌که برنامه‌ریزی برای جنگ



به پیش برده می‌شود، اما درعین‌حال برنامه دروغ بزرگ برای بهانه‌تراشی جنگ تدارک دیده می‌شود. فرانسه به‌عنوان سفیر صلح هیتلر عمل می‌کند؛ به این صورت که دانما پیشنهادهای جذابی به لهستان و برتانیای می‌دهد.

در ایین بین اداره امنیت (SD) به دنبال مردانی از گروه اس‌اس در ایالت اشلن‌ز سُفلی می‌گردد که به زبان لهستانی هم مسلط باشند و آنها را به مرکز آموزش اداره امنیت در برنا – آ در نزدیکی برلین که مجموعه‌ای است پنهان از دیده‌ها در گوشه‌ای از جنگل می‌فرستند. در آنجا این نیروها ضمن تمرین نبرد شبانه به تکمیل زبان لهستانی خود می‌پردازند. برای تأمین یونیفرم لهستانی به رئیس بخش امنیت خارجی، «هاینس جوست» و رئیس ضداطلاعات «ویلهلم کاناریس»، مأموریت داده می‌شود و در همین زمان مسئول هر قسمت از عملیات هم مشخص می‌شود. مسئولیت حمله به گلاویتست (به فرستنده گلاویتست) برعهده «نواچوک» که یک نازی دواتشه است، گذاشته می‌شود؛ کسی که از سال ۱۹۳۱ به حزب نازی و گروه اس‌اس پیوسته بود. نواچوک و مردانش در دو هتل در نزدیکی گلاویتست سکونت یافته و منتظر دستور عملیات می‌مانند. در ۲۲ اگوست، در روز قبل از شروع جنگ، هیتلر سران ارتش را در جریان واقعه می‌گذارد. او در مقر خود در زالتز برگ سُفلی ۵۰ افسر و ژنرال را در سالیی بزرگ جمع و نزدیک ظهر شروع به سخنرانی می‌کند. حاضران اجازه نداشتند یادداشتی از سخنان او بردارند، با وجود این چند نفر، از جمله «کناریس» تخطی می‌کنند؛ خبری که آنها می‌شنوند کاملاً واضح است. هیتلر جنگ با لهستان را می‌خواهد و در این بین عنوان می‌کند که «کسی نمی‌داند تا چه وقت زنده‌ام. به این خاطر برخورد هم‌اکنون باید اتفاق بیفتد». او جسارت و اعتمادبه‌نفس را به حاضران به این صورت تلقین می‌کند، «دشمنان ما کرم‌های کوچکی هستند». خیلی‌ها در سالن با نگرانی سکوت کرده بودند و هیچ‌کس اعتراض نکرد. سه روز بعد از آن در ۲۵ اگوست، هیتلر فرمان حمله به لهستان برای صبح روز بعد را می‌دهد. در آخرین لحظات هیتلر، احتمالاً به‌خاطر عدم آمادگی جنگی متحد ایتالیایی‌اش، موسولینی، عقب‌نشینی می‌کند. از طرفی دیگر مشخص می‌شود که انگلیسی‌ها در کنار لهستان خواهند ماند. در روز ۲۵ اگوست هیتلر سعی می‌کند انگلیسی‌ها را در صورت هجوم به آلمان به طرف شرق، به بی‌طرفی ترغیب کند، اما انگلیسی‌ها مخالفت می‌کنند. گوین می‌نویسد: «رهبر به فکر فرو رفته است؟ چون یک عقب‌نشینی سریع تقریباً با شکست برابر تصور می‌شود. نقشه گلاویتست باید مجدداً بررسی و کاملاً از نو برنامه‌ریزی شود. مانفرد نواچوک به «اوپلن» در مرکز اشلن‌ز سُفلی فرا خوانده می‌شود و در آنجا «هاینریش مولر» رئیس گشتاپو ملاقات می‌کند. مولر او را مأمور خشن‌ترین کارها می‌کند؛ او باید «کنزروها» را برای این عملیات آماده کند. مفهوم این جمله لاشه کشته‌هایی است (کنزروها) که نازی‌ها می‌خواهند آنها را در محل عملیات پخش کنند. تا حمله از جانب «لهستانی‌ها» را باورپذیر جلوه دهند.

 	 	 	 	 	
بمباران ویتنام شمالی از سوی آمریکایی‌ها، با حمله دروغین ویتگوک‌ها به کشتی جنگی آمریکا‌ها شروع و حمله آمریکا به عراق هم با دروغ وجود تسلیحات اتمی در عراق انجام شد. آمریکایی‌ها برای تحریک دولت و مردم ایران، با حمله موشکی به هوایپما غیرنظامی مسافربری، در سایه تصور مقابله به‌مثل احتمالی ایرانی‌ها، می‌خواستند مقدمه‌چینی لازم را برای حمله همه‌جانبه خود به ایران را انجام دهند					

«گشتاپو مولر» – نامی که مردم به رئیس گشتاپو داده بودند – به نواچوک می‌گوید که خلاف برنامه قبلی لازم است یک کشته هم در گلاویتست با یونیفرم (نظامی) لهستانی پیدا بشود. و نواچوک به هاینریش مولر متذکر می‌شود که خلاف حمله‌های دیگر، عملیات گلاویتست باید به گردن لهستانی‌های غیرنظامی انداخته شود؛ و مولر جواب می‌دهد، خوب باشد، در لباس غیرنظامی به شما تحویل داده می‌شود». در این مذاکره نواچوک مطلع می‌شود که آدولف هیتلر را در ساعت ۲۰ روز ۳۱ اگوست آغاز کند؛ لحظه‌ای که گفته شد (کنزرا) برای او آورده می‌شود. نقش این جزانه قربانی را برحسب تصمیم مولر باید «فرانس هونیوک» متولد ۱۸۹۸ عهده‌دار شود که نماینده ماشین‌های کشاورزی است و در «هوهن لپین» زندگی می‌کند. هونیوک اگرچه در قسمت آلمانی منطقه زندگی می‌کرده، تعلق خاطر خود به لهستانی‌ها را بارها نشان داده بود و در جنگ‌های ۱۹۲۱ اشلن‌ز سُفلی در نبرد جانب لهستان را گرفته بوده است. هونیوک در ۳۰ اگوست بازداشت شده و بلافاصله به قتل می‌رسد و به این وسیله او اولین کشته جنگ جهانی دوم می‌شود.

درحالی‌که نواچوک و مردانش در هتل جمع شده و منتظر دستور عملیات می‌مانند، نمایندگان سیاسی کشورهای اروپایی با عجله در پایتخت منشغول فعالیت ارسال تلگراف‌ها و تبادل نظر هستند. آیا می‌توان از جنگ اجتناب کرد؟ نه، هیتلر جنگ را به هر قیمتی می‌خواهد. ایشور که آنان باز هم سعی می‌کنند، دروغ غری را از مداخله باز دارند. «زنرال گورینگ» نیز نیروی هوایی خطر حمله‌های عجلوانه را تذکر می‌دهد اما هیتلر تحت‌تأثیر قرار نگرفته و پاسخ می‌دهد که «من در تمام زندگی قمار کرده‌ام».

در حدود ساعت ۱۳ روز ۳۱ اگوست، تمام مراکز عملیاتی ارتش (ور ماخت) مطلع می‌شوند که صبح فردای این روز جنگ آغاز می‌شود. هیتلر به وزیر خارجه‌اش «ویلیخ فون رین ترپ» می‌گوید «موضوع شروع شده است» و پاسخ می‌شوند «به امید موفقیت». اکنون زمان عملیات برای نواچوک فرا رسیده است که با گروه خود بهانه جنگ را فراهم کند. هاندربیش رمز عملیات را تلفنی چنین می‌گوید، «مادر بزرگ مُرد». نواچوک مردان خود را جمع کرده و آنها را از جزئیات مأموریت مطلع می‌کند. در این زمان هم تعداد زیادی از افسران بلندپایه منتظر مأموریت‌ها شبانه خود در هتل گلاویتست جمع شده‌اند. نواچوک و مردان اس‌اس در ابتدای شب از مقر خود با دو خودرو به سمت فرستنده حرکت می‌کنند. درحالی‌که

چشم‌انداز



دو نفر از آنها در جلوی ساختمان فرستنده کشیک می‌دهند، تا اجازه هونیوک (کنزرو) را تحویل بگیرند، بقیه با مسلسل‌ها از در کناری به داخل حمله می‌کنند، در داخل اتاق فرستنده مأمور تلگراف «ها نارتوت» یک پلیس، مسئول موتورخانه و سربرادر حاضر هستند.

سربادیر می‌پرسد: «آقایان چه فرمایشی دارند». حمله‌کننده‌ها با اسلحه او را تهدید دیده می‌کنند؛ «دست‌ها بالا». مردان اس‌اس دست و پای آنها را می‌بندند و آنها را در زیرزمین زندانی می‌کنند اما موقعی که مهاجمان اس‌اس می‌خواهند مأموریت خود را انجام دهند، متوجه می‌شوند که فرستنده گلاویتست برنامه مستقلی نداشته و فقط برنامه‌های فرستنده شهر برستلاو را پخش می‌کند. در حقیقت نواچوک و مردان گروهش مأموریت داشتند برنامه جاری فرستنده را قطع کرده و اطلاعات غلط خود را در بهترین زمان پخش، منتشر کنند. اما چگونه این کار را باید انجام دهند؟ از ناوتوت مسئول تلگراف‌ها، سؤال می‌شود و او می‌گوید یک میکروفون اضطراری هست که در موقع پدی آب‌وهوا از آن استفاده می‌شود؛ پس آنها پیغام‌های قیام دروغین خود را به زبان لهستانی و آلمانی بدین وسیله می‌فرستند. لهستانی‌های تقبلی قبل از برگ فرستنده نعره‌کشان به اطرافشان شلیک می‌کنند. موقع خروج از ساختمان نواچوک جزاوه خون‌آلود فرانک هونیوک را مشاهده می‌کند. قبل از اینکه پلیس برای بررسی واقعه وارد عمل شود، یک مأمور امنیتی گروگان‌ها را آزاد می‌کند. نواچوک متهم به دروغ‌گویی می‌شود؛ درست زمانی که گزارش موفقیت‌آمیزبودن عملیات را به هاندربیش می‌دهد، چون پیام تبلیغاتی پخش‌شده از طریق میکروفون فقط در محدوده کوچکی از اطراف فرستنده قابل دریافت بوده است و هاندربیش که در برلین جلوی رادیو خود مضطرب روی موج گاویتست منتظر پیام تقبلی بود، فقط برنامه معمولی فرستنده برستلاو را بدون قطع برنامه می‌شوند. به‌عبارتی دیگر تقریباً هیچ آلمانی از رادیو خبر این حمله را نشنیده بود. این اشکال در گلاویتست، متوجه برنامه‌ریزی اشتباه خود هاندربیش بوده است. با وجود این، برنامه در ساعت‌های دیروقت شب ادامه پیدا می‌کند. حمله به پست‌های مرزی در هوخ لیندن، در برخی امور فرستنده‌تر از اشغال و اختیارات آنهاست. یک اداره گمرک حدود ۶۰ مأمور اس‌اس در لباس نظامی لهستانی حضور داشتند. در ساعت چهار صبح روز یکم سپتامبر، حمله شروع می‌شود. علاوه بر این تیراندازی و شکارها و فحاشی‌هایی به زبان لهستانی، ساختمان اداره گمرک و تجهیزات آن تخریب می‌شود. مردان اس‌اس موقعی که از ساختمان اداره گمرک خارج می‌شوند، پایشان به جزاوه کشته‌هایی برخورد می‌کنند که در این بین در آنجا (جلوی ساختمان گمرک) پخش گشتاپو ملاقات می‌دهند. لهستانی‌ها اردوگاه‌های کار اجباری بودند که لحظاتی قبل به قتل رسیده بودند. فردای آن روز باید تعدادی از کماندوها شش جزاوه را دفن می‌کردند تا آثار آنها را از بین ببرند.

در هجوم به اداره جنگ‌ل‌بانی در پیچن مردان اس‌اس کمترین شرکت را دارند و حمله بدون کشته انجام می‌شود. بعد از سناریو گلاویتست بایستی جلوی کار نیروهای اداره آگاهی بی‌خیزا همه‌چیز گرفته می‌شد. بنابراین به سرپرستی پلیس شهر گفته می‌شود این موضوع خارج از مسئولیت و اختیارات آنهاست. یک مأمور منضبط را که از جزاوه هونیاک عکس گرفته، مجبور می‌کنند مدارک خود را تحویل دهد. درحالی‌که مطبوعات یک سوشده نازی‌ها مشغول گزارش «عملیات احقاقانه لهستانی‌ها» هستند، ارتش آلمان حمله خود را بدون اخطار قبلی و اعلام رسمی جنگ شروع می‌کند. ۱۰۵ میلیون سرباز آلمانی در مقابل ۱۰۱ میلیون مدافع لهستانی قرار می‌گیرند. در ساعت ۴:۲۵ دقیقه کشتی «اشلسویگ–هول اشتاین» به یک واحد لهستانی در شبه‌جزیره «وستر پلاته» در نزدیکی «دانسیگ» حمله می‌کند. درهمین‌زمان، بمب‌افکن‌های استوکا شهر کوچک لهستانی «ویلسون» را بمباران می‌کنند. گروه‌های تبلیغاتی نیز تمام عملیات را دنبال می‌کردند؛ به‌خصوص که عکسی سربازان خوشحال آلمانی را در حال تخریب عوارضی‌های مرزی لهستانی‌ها نشان می‌دهد؛ دنیا از این واقعه باخبر می‌شود. این عمل نامداین را در چندین عکس ضبط کرده‌اند.

هیچ بلوف جنگی مانند سناریوی برنامه‌ریزی شده برنامه نتائر گلاویتست تابه‌حال بدین صورت اتفاق نیفتاده است. این فقط یک عملیات خدشه و تقلب اطلاعاتی نبود، بلکه یک عملیات جنگ و کشتار بود. بااین‌حال، هجوم به گلاویتست، هوخ‌لیندن و پیچن به‌زودی فراموش شد. آنچه توجه مردم را در آن زمان جلب می‌کرد، جریان جنگ بود که در پایان ۶۰ میلیون انسان کشته شدند؛ از نسل‌کشی و تبع‌عام ملت‌ها، جنایت‌های دسته‌جمعی و عوارض بعدی آن سخنی گفته نمی‌شد. مردم بعد از پایان جنگ دوباره به یاد این عملیات افتادند که بسیاری از ابعاد آن در تاریکی باقی مانده و تابه‌امروز کسی آن را آشکار نکرده است. در سال ۱۹۶۰ فیلم‌ساز آلمان شرقی «گرهارد کلاین» در فیلمی با عکس‌هایی ضعیف ماجرای گلاویتست را از برنامه‌ریزی تا عملیات به‌تصویر کشیده است. او در بسیاری موارد جریان واقعه را به‌دلیل اطلاعات ناقص آن زمان یا به‌خاطر صحنه‌ها دراماتیک فیلم، تاحدودی اشتباه نشان می‌دهد. بااین‌حال، این فیلم سیاه‌وسفید از نظر هنری تابه‌امروز قابل دیدن و برای آشنایی با وقایع بدون توضیحات هم کافی است. بلافاصله مسئولان حزب کمونیستی آلمان شرقی سابق او را به «زیانشان‌دادن» فاشیسم متهم کردند. تحقیقات «یورگن روست» هاینر، اما بسیاری از وقایع تاریخ معاصر را روشن می‌کند؛ مثلاً اینکه در ماجرای گلاویتست احتمالاً کشته دومی هم وجود داشته است. این بخشی از اظهارات شرکت‌کنندگان در عملیات کمکی بوده است. «مانفرد نواچوک» در دادگاه نوینبرگ اظهاراتی را درباره عملیات بیان کرد و مجله «اشپیگل» در سال ۱۹۶۳ با او مصاحبه‌ای انجام داده است. او وقایع را سرد و بی‌تفاوت توضیح می‌دهد و فقط یک بار آن‌هم درباره اتفاقی که به‌همراه «فرانس هونیاک» روی داده از واژه «عملی نفرت‌انگیز» استفاده می‌کند. از اطلاعات کم این مصاحبه نباید تعجب کرد چراکه مانفرد نواچوک یک مهره اصلی مهم در ماشین رژیم نازی‌ها بوده است؛ عنصری مورد اعتماد، وظیفه‌شناس و آماده‌خمت؛ نه مانند میلیون‌ها انسان دیگر آن زمان. او می‌گوید: «آن مأموریت حساس، فوق وظیفه حساس سیاسی بود که مطابق با وظیفه انجام شد».

دروغه

نگاهی دیگر به محاصره دیرالزور

پس از سه‌ماهه‌ونیم از آغاز نبرد بزرگ الفجر که از سوی ارتش سوریه و نیروهای هم‌پیمان برای رسیدن به شهر دیرالزور و شکستن محاصره محله‌های آن آغاز شد، ارتش توانست محاصره سه‌ساله داعش علیه شهر دیرالزور را بشکند.
سایت العهد لبنان نوشتن این عملیات از محور منطقه «الضمیر» و مشخصاً از فرودگاه السین آغاز شد و روند بسیار سریعی را طی کرد و در محقق‌کردن اهدافش موفق بود؛ چراکه مساحت‌های گسترده‌ای از بادیه در حومه حمص و دمشق آزاد شدند. همچنین ارتش سوریه در حومه شمال‌شرقی السویدا، حومه رقه، حومه جنوبی حلب، حومه جنوبی رقه و حلب پیشروی کرد تا به عمق بیابان دیرالزور برسد و به نیروهای پشتیبان پایگاه‌های سوریه در خارج از این شهر متصل شود و با استقبال بیش از ۷۰ هزار شهروند سوری که در داخل آنجا محاصره بودند وارد این شهر شود که این مسئله جهشی کیفی را در مسیر جنگ سوریه در صحنه داخلی و منطقه‌ای ایجاد کرد.

در این راستا عصر مغرب‌نویسی، کارشناس نظامی و تحلیلگر سیاسی، خاطرنشان کرد: پیروزی ارتش سوریه با شکستن محاصره محور مهم شرق سوریه پیامدهای سیاسی مهمی دارد و محاصره‌ای که آمریکا در تلاش بود از طریق آن مرزهای سوریه را از عراق جدا کرده و در نتیجه راه را مقابل مسیر تهران، بغداد و دمشق ببندد و به طرح مقاومت که مایه نگرانی اسرائیل بود، ضربه وارد کند، شکسته شد.

در سطح خارجی مغرب‌نوی تأکید کرد: شکستن محاصره دیرالزور پیامدهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد داشت و به‌زودی تمامی کشورهای عربی و ترکیه و همچنین رژیم صهیونیستی و تمامی کشورهای غربی به سيطرة ارتش سوریه بر صحنه سوریه و پایان‌دادن به طرح تکفیری – تروریستی ادعان می‌کنند.



او گفت که به‌لحاظ داخلی نیز

شکستن این محاصره منجر به این می‌شود که ارتش سوریه پیشروی سریعی به سمت شهرها و روستاهای اطراف فرات و (بیابان) بادیه دیرالزور و اطراف آن خواهد داشت و پس از آن این مناطق را به صورت کامل از دست داعش آزاد می‌کند و به حضور داعش در شرق سوریه پایان می‌دهد. درهمین حال علی مقصود، کارشناس نظامی و تحلیلگر استراتژیک سوری، با استودن این پیروزی استراتژیک گفت که با درهم‌شکستن صفوف دفاعی داعش در اطراف دیرالزور، طرح آمریکا و اسرائیل فروپاشید و این طرحی بود که هدف از آن تقسیم و تجزیه منطقه بود تا محور مقاومت به این برود. مقصود در مصاحبه با العهد تأکید کرد: پس از قطع ارتباطات داعش و مناطق التنف، الحیممه، السخنه و همچنین حمله شدید به داعش و منهدم‌کردن مقرهایش در الحقیقه، این‌بیروزی به‌سرعت برای ارتش سوریه حاصل شد و داعش سيطرة خود را بر این مناطق و ارتباطشش را با گروه‌های هم‌پیمانش از دست داد.

مقصود درخصوص مسائل اقتصادی نیز گفت: پیشروی به سمت دیرالزور به آزادسازی مساحت‌های گسترده‌ای از زمین‌های کشاورزی انجامید که مردم سوریه بخشی از حیوانات خود را از آنجا تأمین می‌کردند و این پیشروی به کنترل بر دشت فرات و آزادسازی تعدادی از جاه‌های نفت و گاز می‌انجامد که تنها در استان دیرالزور ۴۰ درصد از منابع انرژی سوریه وجود دارد.

منبع:ایسنا

نگاه

دست‌بالای دولت دمشق در آینده بحران سوریه

اردشیر زارعی‌قناتلی

بحران سوریه به دلایل متفاوت از جمله ورود تمام‌قدر روسیه و هم‌پیمانان دولت دمشق به متن منازعه، شکست‌های پیاپی گروه‌های تروریست و به‌خصوص «داعش» در منطقه، تأثیر اختلاف بین عربستان، ترکیه و قطر روی دو طیف اصلی شورشیان، تشدید تهدیدات تروریستی در کشورهای اروپایی که سرنج بسیاری از آنها به جهادگرایان صادراتی به سوریه می‌رسد و پایان رؤیای سقوط «بشار اسد» در بین گروه‌های معارض و حامیان خارجی آنان، وارد مرحله جدیدی شده است. همچنین تمرکز آمریکایی‌ها بر گروه‌های کردی مستقر در شمال سوریه و عزم آنان برای تصرف شهر استراتژیک «رقه» در کنار بروز چالشش این گروه‌بندی جدید با منافع ترکیه مجموعه‌ای از عوامل را موجب شده است که از فشار بر دولت دمشق و حامیان او تا حدودی کاسته شده است و آنان امروز در راستای پیروزی‌های یک سال اخیر خود راه پیشروی به سمت مناطق در دست تروریست‌ها و مخالفان را هموارتر از قبل دنبال می‌کنند. به همین دلیل استراتژی روسیه و محور دمشق هم‌اینک بر این مبنا استوار شده است که مناطق ژلاتینی مورد اختلاف طیف‌های معارض شورشی را فعلاً به حال خودشان رها کنند و تمرکز را بر جبهه‌های مهم و استراتژیک م‌نزوی شده، به‌خصوص مناطق تصرفی داعش معطوف کنند. چنانچه از ماه قبل محور سوریه، روسیه، ایران و حزب‌الله درحالی‌که با بخشی از معارضان سوری توافق حول مناطق «کم‌تنش» را به سرانجام رسانده‌اند، هم‌اکنون مناطق هم‌مرز با لبنان را از وجود تروریست‌های داعش و جبهه «النصره» پاک‌سازی کرده‌اند، مناطق زیادی را در خطوط مرزی با عراق در کنترل خود گرفته‌اند و هم‌اینک از سه جبهه نیروهای خود را به منطقه «دیرالزور» برای شکست حلقه محاصره پیرامون این شهر از دست داعش گسیل کرده‌اند.

بعد از ماه‌های جنگ فرسایشی در جبهه دیرالزور که هم‌زمان با شکست‌های داعش در عراق از جمله مناطق استراتژیک «موصل» و «تل‌عفر» از یک طرف و هجوم نیروهای «دموکراتیک سوریه»، گروه مورد حمایت آمریکا برای تصرف رقه، بوده، هم‌اینک بهترین زمان آزادسازی این منطقه استراتژیک و دارای ذخایر نفتی سوریه از وجود تروریست‌های داعش فرارسیده است. روز دوشنبه، چهارم سپتامبر، گزارش‌گرایی‌های جهانی و رسانه‌های سوری- روسی اخبار حملات سخت و پیشروی‌های بزرگ در جبهه دیرالزور را مخابره کرده و از قول فرماندهان ارتش سوریه و فرماندار این شهر تأیید کرده‌اند که ارتش سوریه با کمک متحدان خود به سه‌کیلومتری خط محاصره دیرالزور و پایگاه هوایی لشکر ۱۳۷» که از حدود سه سال پیش در محاصره نیروهای داعش بوده‌اند رسیده‌اند. وضعیت جبهه جنگ در این منطقه و عدم توان و احتمال ارسال نیروهای کمکی داعش به این جبهه با توجه به قدرت برتر نیروهای سوری و متحدان آن هیچ راهی به غیر از شکست داعش را ممکن نمی‌کند و به‌زودی شکستن حلقه محاصره این شهر که بخشی از آن هم در دست این گروه است و همچنین نزدیک‌شدن نیروهای نظامی به دروازه‌های پایگاه هوایی لشکر ۱۳۷ راه فراری برای داعش باقی نمی‌گذارد. در برخلاف مناطق تصرفی داعش از جمله موصل، تل‌عفر و رقه، منطقه عملیاتی دیرالزور داعش، هم از روبرو و هم از پشت‌سر زیر تهاجم نیروهای ائتلاف حامی دولت دمشق قرار دارد و همین موضوع کار را برای ایزوله و نابودکردن این نیروی تروریست برای ارتش سوریه و متحدان آن آسان می‌کند. در روزهای آینده در این منطقه جنگ مغلوبه خواهد شد و تنها انتظار می‌رود که مقاومت‌های پراکنده در بخش شهری دیرالزور که در تصرف داعش است تا حدودی کار را برای آزادسازی شهر مشکل و تا حدودی زمان‌بر کند. شکست داعش در دیرالزور ضمن اینکه موقعیت روحه‌جلو ارتش سوریه را بیشتر تقویت می‌کند، به موازات آن می‌تواند پایانی بر رؤیای حکمرانی در قلمرو ارضی داعش هم باشد.

پیروزی‌های دولت دمشق در جنگ و منازعات شش‌ساله اخیر یک نقطه عطف در تغییر معادلات بحران سوریه خواهد بود که با توجه به شکست‌های میدانی گروه‌های معارض در شرایطی رقم می‌خورد که تسامح حامیان خارجی آنان نیز هر یک بنا به دلایلی درگیر اولویت‌های جدیدی در حوزه اهداف استراتژیک و امنیتی خود شده‌اند. رسیدن نیروهای نظامی سوریه به بخش غربی دیرالزور که از سال ۲۰۱۴ در محاصره کامل داعش قرار دارد و کمک‌های امدادی و نظامی تنها از طریق هوایی تابه‌حال به این مناطق انجام می‌شد، ندهتاً ۹۳ هزار ساکن تحت محاصره این شهر را از محاصره خارج می‌کند که حاکمیت دولت مرکزی بر قلمرو اقصی‌الداعش را هم موجب می‌شود و ارتباط زمینی و امن سوریه با عراق را دوباره احیا خواهد کرد. احیای این ریدور حیاتی و مهم دوباره ارتباط بخش غربی سوریه را با شرق این کشور برقرار کرده و راه برای کمک‌های نظامی و اقتصادی از مسیر عراق به این کشور گشوده خواهد شد. سوریه وارد مرحله جدیدی درخصوص بحران شش‌ساله خود شده که به نظر می‌رسد بسیاری از سناریوهای منطقه‌ای بین‌المللی برای اسفاطکردن اسد از قدرت هم به تاریخ پیوسته است. به همین دلیل هرگونه تلاش منطقه‌ای و بین‌المللی برای پایان بخشی

به این بحران از این پس بدون به‌رسمیت‌شناختن دولت قانونی دمشق و نقش اسد در مصالحه ملی احتمالی غیرقابل چشم‌پوشی است، البته در این خصوص هنوز در بین کشورهای حامی مخالفان در منطقه و جهان یک تشست سیاسی وجود دارد که بیشتر در راستای عدم انسجام و تعیین استراتژی از سوی آنان باید مورد ارزیابی قرار گیرد. چنانچه در هفته گذشته بعد از اینکه «امانتول ملکون»، رئیس‌جمهوری فرانسه، به صراحت عنوان کرد که اولویت ما سرنگونی اسد نیست و احتمالاً وی در قدرت می‌ماند، بلافاصله دو روز بعد «ژان ایو لو دریان»، وزیر امور خارجه فرانسه، اول سپتامبر در گفت‌وگو با رادیوی فرانسوی (آر‌تی‌ال) گفته است که «نمی‌توان با بشار اسد به صلح دست یافت و او نمی‌تواند بخشی از راه‌حل باشد». در این حالی است که فرانسه قصد دارد طرح جدیدی را به‌عنوان «نقشه راه» درخصوص بحران سوریه به‌ه‌زودی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ببرد که با توجه به همین اغتشاش دیدگاه‌ها و عدم انطباق آن با وضعیت عینی سوریه به زعم بسیاری از تحلیلگران و سیاست‌مداران آشنا به موضوع، به سرانجام نخواهد رسید، ظاهراً دستگاه دیپلماسی فرانسه از تجربه شش سال گذشته درس‌های لازم را فرانگرفته است که حتی در زمان ضعف شدید دولت دمشق به این چنین سناریوهایی قابلیت جدی‌تری تا چه رسد به حلاکه حکومت اسد قدرتمندتر از هر روزی از زمان شروع بحران نظامی در این کشور است. همچنین روس‌ها بعد از یک دوره توهم ناشی از احتمال نزدیکی بین مسکو- واشنگتن در صحنه جهانی به دلیل ظهور دولت جدید «دونالد ترامپ» هم‌اکنون با تشدید اختلافات، حاضر به دادن هیچ امتیاز استراتژیکی به محور غربی نخواهند بود و به همین دلیل انتظار عقب‌نشینی پیروزمندان در عرصه نظامی، در حوزه سیاسی بسیار بعید و دور از ذهن است.